

سالگرد جنبش مشروطیت و تداوم آزادیخواهی مردم ایران

یکصد و پنج سال پیش جنبش اصیل و مردمی مشروطیت بر پایه محدود کردن اختیارات نظام سلطنتی و عناصر مذهبی (روحانیت) در ایران برپا شد. در تداوم این جنبش نیروهای انقلابی و مترقی به ستیز بر علیه استبداد حاکم برخاستند و مبارزان بسیاری بخاطر تحقق این هدف خطیر جان باختند.

اوج گیری جنبش مشروطیت نگرانی دول امپریالیستی نظیر انگلیس را در پی داشت که برای منحرف کردن مسیر مبارزات مردمی دست به تکاپو زدند. سرانجام در اثر مداخلات آنان جنبش مشروطیت به ناکامی کشانده شد و در سوم اسفند ماه ۱۲۹۹ توانستند با استفاده از قشر روحانیت و نظامیان قزاق به رهبری رضا خان میرپنج بر علیه جنبش چپ کودتا کنند. نگرانی امپریالیستها از آن جهت بالا گرفته بود که احتمال می رفت هر آینه تهران به تصرف نیروهای انقلابی و ترقیخواه در آید.

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به فرمانروایی قاجارها در ایران پایان داده شد و رضا خان میرپنج معروف به سردار سپه بنیانگذار سلطنت پهلوی در ایران گردید. رضاخان از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ در ایران حکومت کرد و همان قدرتهایی که قدرت را به وی سپرده بودند بخاطر حفظ منافعشان وی را از سلطنت ساقط کردند و حکومت را به پسرش محمدرضا سپردند. محمدرضا نیز راه دیکتاتوری پدر را دنبال کرد و تا سال ۱۳۵۷ بر ایران حکومت کرد. در تمام سالهای حکومت دیکتاتوری رضا شاه و محمدرضا شاه، همواره روحانیت در کنار آنان بود. روحانیون طرفدار سلطنت تا آنجا در عوام فریبی های رژیم سلطنتی شریک شدند که هرساله در نقش میزبان «مرکب همایونی» را در شهر مشهد گرامی می داشتند تا شاه «کمر بند امام رضا» را محکم تر به کمر ببندد. همان روحانیونی که در برابر آزادیخواهان ایران ایستادگی می کردند و نظیر محمد تقی فلسفی بالای منبرها فریاد بر آورده بودند «زنیورها هم ملکه دارند شما چرا شاه و ملکه را نمی خواهید» و صد البته همان عناصر روحانی بودند که در تمام مسافرتها «اعلیحضرت» پای پلکان هواپیما دعای خیر را بدرقه شاه می کردند.

در سال ۱۳۵۷ هنگامیکه بار دیگر جنبش چپ توانست از نفوذ قابل ملاحظه ای در میان مردم برخوردار شود و آزادیخواهان ایران از اقشار مختلف اجتماعی بر علیه رژیم شاه بپا خاستند، بار دیگر روحانیت و نظامیان دست به اتحاد عمل زدند. اوج گیری جنبش اصیل مردمی در سال ۱۳۵۷ موجب شد تا این بار امپریالیستها به اقتضای منافع اشان نه یک نظامی بلکه یک آیت الله را در مسند قدرت بنشانند. این شانس به روح الله خمینی داده شد تا با کمک امپریالیستها یکی از خشن ترین و عقب مانده ترین حکومت های تاریخ بشریت، بنام جمهوری اسلامی ایران را برپا کند.

آیت الله خمینی با دستکاری نظرات تنی چند از روحانیون دوره رضاشاه و محمد رضا شاه سرانجام اهدافی را پیش گرفت که شیخ فضل الله نوری بر علیه جنبش مشروطیت و آزادیخواهان ایران در سر می پروراند.

برای اینکه بی مدرک سخن نگفته باشیم به بخشی از گفته های شیخ فضل الله نوری بر علیه جنبش مشروطیت استناد می ورزیم. وی در بند ۱ اعلامیه خود بر علیه مشروطیت گفته است:

«هرکس به قانونگذاری اعتقاد داشته باشد، مرتد است. چون ما قانون الهی داریم و نیاز به وضع قانون نو ادا نداریم. و هرکس مرتد شد طبق قانون اسلام خودش حلال است. زنش هم می شود مال خودمان و اموالش هم.»

وی در بند ۲ افاضاتش گستاخانه چنین اظهار نظر کرده است:

«عجم های باستان که این مشروطه خواهان مدحشان می گویند ، خبیث ترین طوایف بودند.»

اکنون رژیم جمهوری اسلامی ایران همین شیخ مرتجع را شهید می نامد و برای اثبات «مظلومیت اش» به هزینه مردم و پول نفت ایران برایش سریال تلویزیونی و فیلم می سازند. نام و خاطره این مرتجع به حدی گرامی داشته می شود که یکی از بزرگترین بزرگراه های تهران راهم بنامش کرده اند. اکنون سران رژیم از این شیخ واپسگرا بعنوان «منورالفکر» یاد می کنند ، وی را در زمره بزرگان ایران زمین لقب می دهند و کار را بجایی رسانده اند که کودکان ایرانی باید خزعبلات وی را جزء دروس مدرسه بیاموزند.

در بخش دیگری از گفته های شیخ فضل الله در مورد آزادی و مشروطیت چنین آمده است:

« آزادی قلم و لسان از جهات کثیره منافی با قانون الهی است. اگر نه، تو بگو فایده این آزادی چیست که این کلمه قبیحه را نشر می دهی، و بنای قرآن این است که آزادی نباشد. اگر فردا یهود و نصاری و مجوس و بابیه آمدند پای منبر و محراب ما، القای شیطننت کردند، نشر کلمه کفریه خود را کردند، ایجاد شبهه کردند و قلوب صافی مومنین را تضلیل کردند؛ تو می خواهی چه کنی؟

یکی از مواد آن ضلالت نامه (قانون اساسی مشروطه) این است که افراد مملکت متساوی الحقوقند

در این طبع آخر به این عبارت نوشته شده: «اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود» و این کلمه مساوات، «شاع وذاع حتی خرق الاسماع»، و این یکی از ارکان مشروطه است که به اخلاص [آن]، مشروطه نمی ماند. نظرم است در وقت تصحیح، در باب این ماده، یکی نفر از اصول هیات معهود بود، گفت به داعی: که این ماده چنان اهمیت دارد که اگر این باشد و همه مواد را تغییر بدهند، دول خارجه ما را به مشروطه می شناسند و اگر این ماده نباشد لیکن تمام مواد، باقیه باشد ما را به مشروطگی نخواهند شناخت. فدوی در جواب او گفت: فعلی الاسلام السلام و برخاستم و گفتم: حضرات جالسین بدانید مملکت اسلامی مشروطه نخواهد شد، زیرا که محال است با اسلام حکم مساوات»

رساله حرمت مشروطه از شیخ فضل الله نوری، کتاب رسائل مشروطیت، صفحه های ۱۵۱ تا ۱۶۷

« ای مُلحد اگر این قانون دولتی مطابق اسلام است که ممکن نیست در آن مساوات، و اگر مخالف اسلام

است، مُنافی [است] با آنچه که در چند سطر قبل نوشته شده که آنچه که مخالف اسلام است قانونیت پیدا نمی کند. ای بی شرف، ای بی غیرت، ببین صاحب شرع برای اینکه تو مُنتحل به اسلامی، برای تو شرف مقرر فرموده و امتیاز داد [ه] تو را، و تو خودت از خودت سلب امتیاز می کنی و می گویی من باید با مجوس و ارمنی و یهودی برادر و برابر باشم.»

رساله حرمت مشروطه از شیخ فضل الله نوری، کتاب رسائل مشروطیت، صفحه های ۱۵۱ تا ۱۶۷

در همین رابطه مناسبت دارد بخشی از نظر مدرس را نیز بیاوریم:
بخشی از نطق مدرس پس از پیشنهاد نمایندگان روشنفکر مجلس مشروطه برای حق رای دادن به بانوان کشور چنین است:

«آخر ما هرچه تامل میکنیم می بینیم خداوند قابلیت در زن ها قرار نداده که لیاقت انتخاب کردن داشته باشند.»

عقول این ها استعداد ندارد و در حقیقت تحت قیمومیت قرار دارند.
چه طور ممکن است به آن ها حق انتخاب کردن داده شود؟»

اکنون پس از یکصد و پنج سال همان حکومتی در ایران استقرار یافته است که شیخ فضل الله نوری و امثال مدرسها وعده آنرا داده بودند. و برآستی که مبارزان راه آزادی چه وظیفه خطیری برای بزیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی ایران بردوش دارند.

به نقل از وب سایت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

A.C.P- Postfach 12 02 06-60115 Frankfurt am Main-Germany-Fax: 00-49-221-170 490 21

Web Site: <http://www.iranian-fedaii.de> E-Mail: organisation@iranian-fedaii.de